

رابطه علی تمایزیافتگی، نوززگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی

Seyed Ehsan Sadati
Clinical Psychology
Mahnaz Mehrabizadeh Honarmand &
Mansour Soodani
Shahid Chamran University of Ahvaz

سید احسان ساداتی*
روانشناسی بالینی
مهناز مهربابی زاده هنرمند و
منصور سودانی
دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده: ناکامی زوجها در حل اختلافات زناشویی ممکن است به اشکال گوناگونی بروز پیدا کند که هر کدام به نوبه خود می‌تواند سلامت روابط زناشویی را به خطر بیندازد. یکی از انواع بروز اختلافات زناشویی، پدیده دلزدگی است که زوج‌های بسیاری را درگیر خود می‌کند و از عوامل بسیاری از جمله تمایزیافتگی، نوززگرایی، بخشندگی و تعارض زناشویی تاثیر می‌پذیرد. هدف پژوهش حاضر آزمون الگوی رابطه علی تمایزیافتگی، نوززگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی از طریق واسطه‌گری تعارض زناشویی بود. به این منظور نمونه‌ای ۳۰۰ نفری از معلمان مرد متاهل مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مدارس شهر استهبان در این پژوهش شرکت کردند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد به مقیاس دلزدگی زناشویی (MDS)، پرسشنامه تجدیدنظر شده تمایزیافتگی خود (DSI-R)، زیرمقیاس نوززگرایی پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI)، مقیاس بخشش (FS) و پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ-R) پاسخ دهند. نتایج نشان داد که در کل نمونه، تمامی ضرایب مسیر بین متغیرها، از لحاظ آماری معنادار بودند. به علاوه مسیرهای مستقیم تمایزیافتگی، نوززگرایی، بخشندگی و تعارض زناشویی به دلزدگی زناشویی، و همچنین مسیرهای مستقیم تمایزیافتگی، نوززگرایی و بخشندگی به تعارض زناشویی نیز معنادار بودند. از سوی دیگر، طبق نتایج پژوهش، رابطه غیرمستقیم تمایزیافتگی، نوززگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی نیز معنادار به دست آمدند. به نظر می‌رسد دلزدگی زناشویی پدیده پیچیده‌ای است که ضمن درگیر کردن بسیاری از زوجها، از عوامل بسیاری از جمله تمایزیافتگی، نوززگرایی، بخشودگی و تعارض زناشویی تاثیر می‌پذیرد.

واژه‌های کلیدی: تمایزیافتگی، نوززگرایی، بخشندگی، دلزدگی، تعارض زناشویی

Abstract: The failure of couples in resolving marital problems could be expressed in various forms so that each of them can be a threat to the health of marital relationship. One of the causes of marital disputes is disaffection which is common in many couples and is influenced by many factors including differentiation, neuroticism, forgiveness and marital conflict. The purpose of this study was to examine the causal relationship between differentiation, neuroticism and forgiveness and marital disaffection by mediation of marital conflict. For this purpose, a sample of 300 married male teachers in elementary, middle and high schools of Estahban participated in this study. Participants were asked to respond to the Marital Disaffection Scale (MDS), the Revised Differentiation of Self Questionnaire (DSI-R), the Neuroticism of NEO Five-Factor Personality Inventory (NEO-FFI), the Forgiveness Scale (FS) and Sanai's Revised Marital Conflicts Questionnaire (MCQ-R). The results showed that all coefficients of the path between variants were statistically significant. Moreover, the direct paths of differentiation, neuroticism, forgiveness and marital conflict to marital disaffection were statistically significant. The direct paths of differentiation, neuroticism and forgiveness to marital conflict were significant as well. Also, the results of this study revealed that the indirect relationship between differentiation, neuroticism and forgiveness and marital disaffection was also significant through marital conflict. It seems that marital disaffection is a complex phenomenon which is influenced by various factors such as differentiation, neuroticism, forgiveness and marital conflict.

Keyword: differentiation, neuroticism, forgiveness, disaffection, marital conflict.

مقدمه

هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی‌اش رابطه زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می‌کند و حدس و گمان‌های اولیه او نیز در راستای حفظ و تداوم این رابطه است. اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن یا شوهر یا هر دوی آنها نسبت به عمق و شکل رابطه‌شان دچار تردید شوند و چون بین توقعات خود از زندگی و واقعیت‌های موجود در زندگی زناشویی‌شان هماهنگی لازم را نمی‌بینند، دچار سرخوردگی و دلزدگی شوند (خواصی، ۱۳۹۲). در واقع زوجها درمی‌یابند که رفتار همسرشان آن چیزی نیست که انتظارش را داشته‌اند و پس از به‌وجود آمدن این احساس سرخوردگی، همسرشان را در قبل و بعد از ازدواج مقایسه می‌کنند (کایزر، ۱۹۹۳) و در پی آن، احساسات منفی، حالت غالب به خود می‌گیرد و به از دست دادن شور و شوق اولیه، وابستگی عاطفی، تعهد و نهایتاً بروز دلزدگی^۱ منجر می‌شود (پوکورسکا، فارل، ایوان شیتزکی و پیلا، ۲۰۱۳). به زعم کایزر (۱۹۹۳) دلزدگی فقدان تدریجی دلبستگی عاطفی^۲ است که شامل کاهش توجه به همسر، بیگانگی عاطفی^۳ و افزایش احساس دلسردی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر است و شامل سه مرحله می‌شود: ۱) سرخوردگی و ناامیدی^۴؛ ویژگی بارز این مرحله سرخوردگی از روابط زناشویی است. در این مرحله، فرد دلزده سرخوردگی نسبت به همسرش را در سکوت کامل، نشخوار فکری^۵ می‌کند (کایزر، ۱۹۹۳). در واقع در طول این مرحله زوجها از یکدیگر فاصله می‌گیرند و افکار طلاق و جدایی و یا بودن با یک شریک زندگی بهتر، افزایش می‌یابد (مازارانتانی، ۲۰۱۱). ۲) مابین ناامیدی و دلزدگی، خشم و تنفر^۶؛ روشن‌ترین احساس در این مرحله، احساس تنفر است که به نظر می‌رسد ناشی از عود رفتارهای منفی و آسیب‌رسان زن و شوهر باشد. چرا که چشم‌پوشی از خطاهای همسر، که در مرحله اول کار آسانی بود، در این مرحله به سختی ممکن می‌شود (کایزر، ۱۹۹۳). ۳) دلسردی و بی‌تفاوتی^۷؛

فاصله‌گیری عاطفی^۸ و جسمی، مشخصه آخرین مرحله از فرایند دلزدگی است. برخلاف مرحله قبل، خشم و نفرت تا حدی کاهش می‌یابد و سردی عاطفی به‌طور معنادار افزایش پیدا می‌کند. هم‌چنین رفتارهای ترمیمی^۹ مراحل قبل به علت مقصر دانستن همسر در ایجاد مشکلات، در این مرحله صورت نمی‌پذیرند (کایزر، ۱۹۹۳).

سابق بر این در پژوهش‌ها به جای واژه دلزدگی از واژه فرسودگی^{۱۰} استفاده شده است که بیشتر مناسب حوزه مسایل شغلی است و در این پژوهش، برای اولین بار واژه دلزدگی، برگرفته از کتاب کایزر (۱۹۹۳) با عنوان وقتی عشق می‌میرد^{۱۱}، به کار رفته است که به نظر می‌رسد برای مناسبات زناشویی مناسب‌تر باشد. عوامل مختلفی در بروز دلزدگی زناشویی نقش دارند که از جمله می‌توان به تاثیر میزان تمایز یافتگی^{۱۲} بر رضایت زناشویی زوجها اشاره کرد. مفهوم تمایز یافتگی به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و ماندن در جو عاطفی و در عین حال استقلال از دیگر افراد اشاره دارد (کلور، ۲۰۰۹؛ گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸/۱۳۹۲)؛ به گونه‌ای که افراد با تمایز یافتگی بالا واکنش‌های خود را به‌صورت منطقی کنترل می‌کنند و در مقابل، افراد با تمایز یافتگی پایین گرایش دارند تا این کنترل را با واکنش‌های هیجانی و عاطفی اعمال کنند (پیس، ۲۰۱۳). در نظام زناشویی نیز وقتی تمایز یافتگی زوجها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها^{۱۳} نیز برای زوج‌ها بیشتر می‌شود و اضطراب، واکنش‌های هیجانی و در نهایت آمیختگی کاهش می‌یابد، در سمت مقابل، استفاده زوج‌های با تمایز یافتگی پایین از اجتناب، به هنگام وقوع تعارض (لیکانی، ۲۰۱۳)، به برهم زدن تعادل بین «با هم بودن و فردیت» می‌انجامد و در درازمدت به دلزدگی منجر می‌شود (پاپرو، ۲۰۰۰).

رابطه زناشویی و ازدواج، پیوند دو شخصیت است و از میان ویژگی‌های شخصیتی، پیوسته‌ترین ارتباط با کیفیت روابط زناشویی را یافته‌های مربوط به نورزگرایی^{۱۴} دارد

8. emotional distance
9. regeneration
10. burn out
11. When Love Dies
12. self-differentiation
13. conflicts
14. neuroticism

1. disaffection
2. emotional attachment
3. emotional estrangement
4. disillusion and disappointment
5. rumination
6. anger and hurt
7. apathy and indifference

تهرانی، فاتحی‌زاده و باغبان، ۱۳۹۱). دیدگاه سنتی^{۱۰} در باب توجه به تعارض زناشویی، تعارض را موجب افت و تخریب و مسبب بحران در رابطه زناشویی می‌داند و بر پیامدهای مخرب و معایب آن تمرکز دارد در حالی که دیدگاه تعاملی^{۱۱}، اختلاف ادراک و نظرات مختلف و عدم توافق در تصمیمات را موجب بهبود و رشد و رفع نقایص و عامل پویایی و تحرک می‌داند (بهارستان، ۱۳۸۳).

پژوهش‌های گوناگونی در بیان ارتباط منفی بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی نشان داده‌اند که هرچه افراد از سطوح تمایز یافتگی پایین‌تری برخوردار باشند، به دلیل آمیختگی بیشتر عقل و احساسات‌شان، در تعارضات زناشویی درگیر تنش‌های عاطفی شدید با همسر، و دچار دلزدگی زناشویی در طولانی مدت می‌شوند (آریامنش، فلاح‌چای و زارعی، ۱۳۹۲؛ طالبی و غباری بناب، ۱۳۹۲). به‌علاوه لیکنانی (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان داد که تمایز یافتگی با تعارض زناشویی رابطه معکوس و با رضایت زناشویی رابطه مستقیم دارد.

هم‌چنین بررسی‌ها نشان داده‌اند که هر اندازه ویژگی شخصیتی نوززگرایی در افراد نمود بیشتری داشته باشد به همان اندازه احتمال بروز آشفتگی و دلزدگی زناشویی در آینده بیشتر است (ایوینیاک، وایت، لامن، مک‌کلینتاک و تید، ۲۰۱۴؛ حسینی، خلقی، جابری، صدیقی، صالحی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کلاکستون، ارورکه، اسمیت و دی‌لانگیس، ۲۰۱۲؛ موسوی، داراب، فاتحی‌زاده و بهرامی، ۱۳۹۱). در واقع، افراد نوززگرا بخاطر تمایل به داشتن احساسات منفی، باعث تشدید تعارض زناشویی و تسریع سیر دلزدگی زناشویی می‌شوند (جدیری و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۹). پژوهش‌های مختلفی در مورد نقش بخشش در بهبود روابط زناشویی و رابطه آن با نارضایتی و دلزدگی زناشویی انجام شده‌اند که به رابطه منفی بخشش و دلزدگی زناشویی اذعان داشته‌اند (دغاغله، عسگری و حیدری، ۱۳۹۱؛ غفوری، مشهدی و حسن‌آبادی، ۱۳۹۲). لیسیکا (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بخشندگی از طریق افزایش همدلی، باعث کاهش دلزدگی زناشویی و به تبع آن، افزایش رضایت در رابطه شود. پژوهش برایت‌وایت و همکاران

(برلدز، ۲۰۰۵). به‌طور کلی، عناصر نوززگرایی عبارتند از: ناتوانی در کنترل میل و تکانه^۱، مقابله ناکارآمد با استرس^۲، گرایش به شکوه و شکایت^۳، ارزیابی موقعیت‌ها به عنوان استرس‌زا^۴ و تجربه هیجان‌های منفی^۵ (اورمل و همکاران، ۲۰۱۳). افراد با نوززگرایی بالا از اسنادهای منفی^۶ بیشتری برای توضیح رفتارهای همسر خود استفاده می‌کنند (کایزر و راثو، ۲۰۰۶) و چون زمان زیادی را صرف نگرانی‌ها و تمرکز بر عواطف منفی می‌کنند اغلب فرصت کمی برای به انجام رساندن تکالیف و وظایف زناشویی دارند که در دراز مدت امکان بروز دلزدگی زناشویی را افزایش می‌دهد (واین، موسیسکا و فلیسون، ۲۰۰۴).

هم‌چنین بخشندگی^۷ به‌عنوان متغیری موثر در حل تعارضات زناشویی و افزایش رضایت زناشویی در نظر گرفته می‌شود (چانگ، ۲۰۱۴) و در روابط صمیمانه، باعث رشد همدلی^۸ بین زوجها می‌شود (مک‌گلوک، راجال، سانداچ، ورتینگتون، براون و همکاران، ۱۹۹۸). در واقع رفتارهای بخشندگی می‌تواند با ایجاد تغییرات مثبت در پویایی‌های روابط زناشویی، امکان رشد شخصی و بین فردی را فراهم کند (لئو، ۲۰۱۱). افرادی که قادر به بخشش همسر خود هستند به تقدس رابطه زناشویی معتقدند و این توانایی بخشش همسر، به استحکام بیشتر رابطه زناشویی و افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد (ماگیار^۹، ۲۰۰۱؛ به نقل از احتشام زاده، مکوندی و باقری، ۱۳۸۸).

تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و هنگامی رخ می‌دهد که یکی از زوجها از رابطه زناشویی راضی است و در آن واحد، شخص مقابل در نارضایتی به سر می‌برد (بخشی‌پور، اسدی، کیانی، شیرعلی‌پور و احمد دوست، ۱۳۹۱). دلایل متعددی چون گذار از سنت به مدرنیته، تغییر نظام خانواده‌ها، سست شدن روابط عاطفی، کارآمد نبودن الگوهای ارتباطی و کنترلی و فشارهای شغلی و اجتماعی می‌تواند در بروز تعارض بین زوجها موثر باشد (حکیمی

1. inability to control urges
2. inefficient coping with stress
3. disposition to complain
4. appraise situations as stressful
5. experience negative emotional
6. negative attributions
7. forgiveness
8. empathy
9. Magyar, G.

10. traditional

11. interactional

روش تصادفی طبقه‌ای نسبتی^۳ انتخاب شدند؛ به این صورت که ابتدا از بین تعداد ۴۱ مدرسه پسرانه، ۸ مدرسه در مقطع ابتدایی، ۷ مدرسه در مقطع راهنمایی و ۱۵ مدرسه در مقطع متوسطه به‌طور تصادفی انتخاب و سپس پرسشنامه‌های پژوهش بین معلمان متاهل هر مدرسه توزیع شدند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۶/۴۴ با انحراف استاندارد ۵/۶۱ بود. همچنین ۴۴ درصد از شرکت‌کنندگان دارای مدت ازدواج ۱ تا ۱۰ سال، ۴۵/۳ درصد دارای مدت ازدواج ۱۱ تا ۲۰ سال و ۱۰/۷ درصد از آنها نیز دارای مدت ازدواج بیش از ۲۰ سال بودند.

ابزار سنجش

مقیاس دلزدگی زناشویی (MDS). مقیاس دلزدگی زناشویی^۴ نخستین بار توسط کایزر (۱۹۹۳) در ۲۱ ماده ساخته شد که پاسخ‌دهندگان، درجه موافقت و مخالفت خود را با عبارات آن، در طیف ۴ درجه‌ای لیکرت از صفر (کاملاً اشتباه) تا ۳ (کاملاً درست) نشان می‌دهند. این مقیاس، تک عاملی است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطوح بالاتری از دلزدگی است. نمرات این مقیاس در محدوده ۲۱ تا ۸۴ قرار می‌گیرد. کایزر (۱۹۹۳) طبقه‌بندی زیر را برای نمرات این مقیاس ارائه داده است: ۲۶-۲۱ دلزدگی پایین، ۳۴-۲۷ دلزدگی متوسط به پایین، ۴۲-۳۵ دلزدگی متوسط، ۵۴-۴۳ دلزدگی بالاتر از متوسط و ۸۴-۵۰ دلزدگی زیاد. در پژوهش کایزر (۱۹۹۳)، نمرات مقیاس، همبستگی مثبت بالایی با نمرات سایر مقیاس‌های دلزدگی و همبستگی منفی با مقیاس‌های مربوط به صمیمیت و نزدیکی زناشویی داشت و آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۷ به دست آمد. مطالعات مختلف نیز، همسانی درونی^۵ قابل اطمینان و بالایی را گزارش کرده‌اند، پایایی آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در مطالعه‌ای ۰/۷۹ تا ۰/۸۹ به دست آمد (پریست و تین^۶، ۲۰۰۳؛ به نقل از دورهام- فولر، ۲۰۱۰). در ایران نیز نخستین بار ساداتی و همکاران (۱۳۹۳) پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ و روایی^۷ آن را به روش روایی همگرا^۸ از

(۲۰۱۱) نیز نشان داد که بخشندگی از طریق افزایش تمایل فرد برای حفظ رابطه و کاهش تعارض زناشویی، نقش مهمی در افزایش رضایت زناشویی و به تبع آن، کاهش دلزدگی زناشویی ایفا می‌کند. به‌علاوه نتایج پژوهش‌های گوناگون بر نقش برجسته تعارض زناشویی در بروز دلزدگی زناشویی تاکید داشته‌اند (بیردیت، برون، اوربوچ و مک‌لون، ۲۰۱۰؛ حکیمی‌تهرانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ محسن‌زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰). باری و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق خود نشان دادند که تعارض زناشویی با سلب امکان موقعیت‌های صمیمانه در روابط، در تسریع فرآیند دلزدگی زناشویی موثر است.

میزان بالای طلاق در جوامع، تاییدکننده این حقیقت است که بسیاری از زوجها تمایلی نسبت به ماندن در ازدواج‌های ناکام ندارند (کایزر، ۱۹۹۳). والر^۱ (۱۹۳۸)؛ به نقل از کایزر، ۱۹۹۶) اولین محقق بود که پیشنهاد داد طلاق ممکن است ریشه در دلزدگی زوجین داشته باشد. لذا با در نظر گرفتن خسارت‌های ناشی از طلاق، لزوم بررسی عوامل موثر در بروز دلزدگی بین زوجها، جهت بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها و تسهیل روند مشاوره به متقاضیان طلاق، به منظور پیشگیری از آن، بیش از پیش احساس می‌شود. اگرچه پژوهش‌های پیشین به بررسی متغیرهای مورد نظر به صورت ساده و خطی پرداخته‌اند اما رابطه این متغیرها به شکل دسته جمعی بررسی نشده است؛ بنابراین در این پژوهش در قالب یک مدل به این سوال پاسخ داده می‌شود که آیا رابطه علی تمایزیافتگی، نوزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی واسطه‌گری می‌شود؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر^۲ بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان مرد متاهل مدارس شهر استهبان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان بود. نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۰۰ نفر بود که به

3. proportionate stratified
4. Marital Disaffection Scale (MDS)
5. internal consistency
6. Priest, R. & Thein, M.
7. validity
8. convergent validity

1. Waller, W.
2. path analysis

همین پژوهشگران ساخته شد (پیتلیک-زیلیگ و همکاران، ۲۰۰۲).

فرم ۶۰ سوالی این پرسشنامه در ایران توسط حق شناس (۲۰۰۴؛ به نقل از فاضل، حق شناس و کشاورز، ۱۳۹۰) هنجاریابی شد و مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون برای ارزیابی مختصر و سریع پنج عامل اصلی شخصیت یعنی نوزگرایی، برونگرایی^{۱۲}، تجربه‌پذیری^{۱۳}، وظیفه‌شناسی^{۱۴} و همسازی^{۱۵} طراحی شده است (کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۷؛ به نقل از فاضل و همکاران، ۱۳۹۰) و می‌توان آن را به صورت فردی و گروهی اجرا کرد. در پژوهش حاضر از زیرمقیاس نوزگرایی این ابزار استفاده شده است. پایایی این آزمون توسط کاستا و مک‌کری (۲۰۰۰) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای نوزگرایی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، همسازی و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۶۹ و ۰/۷۹ و توسط حق‌شناس (۲۰۰۴؛ به نقل از فاضل و همکاران، ۱۳۹۰)، ۰/۸۶، ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۶۸ و ۰/۸۱ گزارش شده است. در مورد روایی مقیاس نیز انیسی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی روایی همزمان، گزارش کردند که ضریب همبستگی نوزگرایی و برونگرایی در پرسشنامه نئو با نوزگرایی و برون‌گرایی در پرسشنامه شخصیتی آیزنک^{۱۶} به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۴۷ بود. هم‌چنین در این پژوهش، پایایی پرسشنامه مذکور به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد.

مقیاس بخشش (FS). رای و همکاران (۲۰۰۱) مقیاس بخشش^{۱۷} را تدوین کردند. مقیاس اصلی دارای ۱۶ گویه بود و پس از انجام تحلیل عاملی، ۱ گویه آن حذف و به ۱۵ گویه تبدیل شد. سوالات در مقیاس لیکرت و در یک طیف ۵ گزینه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم)، طراحی شده‌اند که نمره‌گذاری سوالات ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲ و ۱۴ معکوس است (رای و همکاران، ۲۰۰۱). در این مقیاس میزان گذشت به سه سطح کم (۰-۲۱)، متوسط (۲۲-۴۲) و زیاد (۴۳-۶۵) طبقه‌بندی شده است (زندپور و یادگاری، ۱۳۸۶). رای، این مقیاس را با پرسشنامه بخشش انزایت^{۱۸}

طریق همبستگی با مقیاس فرسودگی زناشویی^۱ پاینز^۲، ۰/۵۴ به دست آوردند.

پرسشنامه تجدید نظر شده تمایز یافتگی خود (DSI-R). پرسشنامه تجدید نظر شده تمایز یافتگی خود^۳ نخستین بار توسط اسکورن و فریدلندر^۴ (۱۹۹۸؛ به نقل از اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳)، با ۴۳ سوال طراحی و اجرا شد. سپس در سال ۲۰۰۳ مورد بازبینی قرار گرفت و با ۴۶ سوال و ۴ عامل تنظیم شد و به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس که روی طیف ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (هرگز در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (خیلی در مورد من صحیح است) نمره‌گذاری می‌شود، از ۴ زیرمقیاس گسلس عاطفی^۵، واکنش هیجانی^۶، امتزاج با دیگران^۷ و موقعیت من^۸ تشکیل شده است. در پژوهش اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) ضریب پایایی کل آزمون ۰/۹۲ به دست آمده است. این آزمون در ایران توسط یونسی (۱۳۸۵؛ به نقل از غفاری، رفیعی و ثنایی‌ذاکر، ۱۳۸۹) روی نمونه عادی هنجاریابی شد و پایایی آن از طریق بازآزمایی^۹ و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵، واکنش عاطفی ۰/۷۷، موقعیت من ۰/۶۰، گسلس عاطفی ۰/۶۵ و امتزاج با دیگران ۰/۷۰ به دست آمد. روایی آزمون نیز از طریق تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت و ۴ عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک به دست آمد که در مجموع، ۵۷/۶۷ واریانس را تبیین کرد. هم‌چنین پایایی این پرسشنامه در این پژوهش به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI). پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو^{۱۰} ابتدا با ۱۸۵ پرسش توسط کاستا و مک‌کری^{۱۱} (۱۹۸۵؛ به نقل از پیتلیک-زیلیگ، هم‌نوور و دینسییر، ۲۰۰۲) تهیه شد. پس از آن بر اساس همین پرسشنامه، فرم‌های ۲۴۰ و ۶۰ سوالی آن نیز توسط

1. couple burn-out measurement (CBM)
2. Pines
3. Differentiation of Self Inventory Revised (DSI-R)
4. Skowron, E. & Friedlander, M.
5. emotional cutoff (EC)
6. emotional reactivity (ER)
7. fusion with others (FO)
8. "I" position (IP)
9. test-retest
10. NEO Five-Factor Personality Inventory
11. Costa, P. & McCrae, R.

12. extroversion
13. openness
14. conscientiousness
15. agreeableness
16. Eysenck Personality Questionnaire (EPQ)
17. Forgiveness Scale (FS)
18. Enright Forgiveness Inventory (EFI)

پرسشنامه ۰/۹۶ و برای ۸ زیرمقیاس آن این‌گونه به‌دست آمد: کاهش همکاری، ۰/۸۱؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۳۳؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۶؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان و دوستان همسر، ۰/۸۹؛ جداکردن امور مالی از یکدیگر، ۰/۷۱ و کاهش ارتباط موثر؛ ۰/۶۹. در تحقیق بخشی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز پایایی این ابزار به روش همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۹۰ به‌دست آمد. هم‌چنین امینی و همکاران (۱۳۹۲) پایایی پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند. این ابزار از روایی خوبی برخوردار است و در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب تمام سوالات، هیچ سوالی حذف نشد (ثنایی ذاکر، ۱۳۸۷). امینی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود گزارش کردند که این ابزار دارای روایی صوری^۴ است، به این صورت که سوالات پرسشنامه به چند تن از اساتید و صاحب‌نظران مربوطه جهت داوری ارایه شد و مورد تایید قرار گرفت. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر نیز به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد.

یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در متغیرهای تمایز‌یافتگی، بخشندگی، نوززگرایی، تعارض زناشویی و دلزدگی زناشویی ارایه شده است.

مورد مقایسه قرار داد. همبستگی به دست آمده به شیوه هم‌تاسازی^۱، ۰/۵۰-۰/۷۵ به دست آمد که نسبتاً بالا بود (رای و همکاران، ۲۰۰۱). در ایران نیز آلفای کرونباخ این آزمون توسط زندگی‌پور و یادگاری (۱۳۸۶) ۰/۹۶ به‌دست آمد. هم‌چنین در تحقیقی که زندگی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) انجام دادند، پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹، و به روش دونیمه‌سازی^۲ ۰/۸۱ و روایی آن از طریق همبستگی با پنج عامل مقیاس پنج عاملی شخصیت نئو به ترتیب به این صورت به‌دست آمد: با نوززگرایی ۰/۴۵، با همسازی ۰/۵۲، با برونگرایی ۰/۳۳، با وظیفه‌شناسی ۰/۴۲ و با تجربه‌پذیری ۰/۳۵. در پژوهش حاضر نیز پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه شد.

پرسشنامه تجدیدنظر شده تعارضات زناشویی

(MCQ-R). پرسشنامه تجدیدنظر شده تعارضات زناشویی^۳ یک ابزار ۵۴ سوالی است که برای سنجیدن تعارضات زناشویی ساخته شده است و هشت عامل از تعارضات زناشویی را می‌سنجد: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان و دوستان همسر، جداکردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط موثر. برای هر سوال ۵ گزینه از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) در نظر گرفته شده است. سوالات ۳، ۱۱، ۱۴، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۷ و ۵۴ نیز به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است (ثنایی ذاکر، ۱۳۸۷). در پژوهش ثنایی ذاکر (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ برای کل

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در متغیرهای تمایز‌یافتگی، بخشندگی، نوززگرایی، تعارض زناشویی و دلزدگی زناشویی

متغیر	M	SD	کمینه	بیشینه
تمایز‌یافتگی	۱۵۳/۰۱	۱۶/۵۸	۱۰۴	۱۹۰
نوززگرایی	۳۷/۲۰	۸/۳۴	۱۵	۵۷
بخشندگی	۴۵/۴۶	۹/۳۹	۲۳	۷۰
تعارض زناشویی	۱۶۵/۵۴	۲۶/۱۳	۱۰۳	۲۲۸
دلزدگی زناشویی	۵۰/۲۹	۸/۳۶	۲۴	۷۹

1. equivalent
2. split-halves
3. Marital Conflict Questionnaire Revised (MCQ-R)

4. face validity

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. طبق نتایج آرایه شده، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه بخشندگی با دلزدگی زناشویی $p < 0/01$ معنادار هستند. کمترین آن مربوط به رابطه تمایزیافتگی با نوززگرایی $(0/24)$ است. همچنین همه ضرایب در سطح $p < 0/01$ معنادار هستند.

جدول ۲

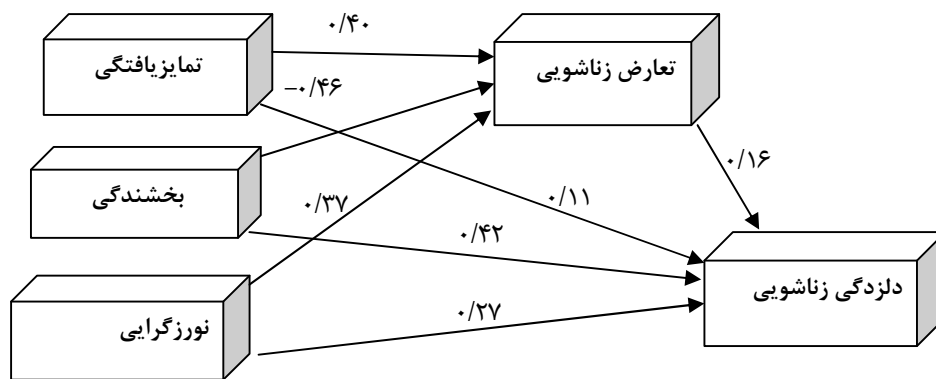
ماتریس همبستگی بین متغیرهای تمایزیافتگی، بخشندگی، نوززگرایی، تعارض زناشویی و دلزدگی زناشویی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱- تمایزیافتگی	۱				
۲- نوززگرایی	$-0/24^{**}$	۱			
۳- بخشندگی	$0/51^{**}$	$-0/25^{**}$	۱		
۴- تعارض زناشویی	$-0/44^{**}$	$0/27^{**}$	$-0/40^{**}$	۱	
۵- دلزدگی زناشویی	$-0/39^{**}$	$0/58^{**}$	$-0/65^{**}$	$0/53^{**}$	۱

$p < 0/01$ **

تمایزیافتگی به دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی، و همچنین مسیره‌های بخشندگی به دلزدگی زناشویی و بخشندگی به تعارض زناشویی معنادار بودند. همچنین مسیر نوززگرایی به دلزدگی زناشویی و نیز نوززگرایی به تعارض زناشویی؛ و در نهایت مسیر تعارض زناشویی به دلزدگی زناشویی نیز معنادار بودند.

به منظور آزمون رابطه علی تمایزیافتگی، بخشندگی و نوززگرایی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. بنابراین، الگوی پیشنهادی حاضر در مجموع از متغیرهای تمایزیافتگی، بخشندگی، نوززگرایی، دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی تشکیل شده است. نتایج الگوی پیشنهادی در شکل ۱ نشان داده شده است. همان‌گونه که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، مسیره‌های



شکل ۱. الگوی پیشنهادی و ضرایب مسیر متغیرها در پژوهش

است، طبق مندرجات جدول ۳ مقادیر شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی، شامل شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی $(2/df)$ $2/107$ ، شاخص نیکویی برازش (GFI) $0/98$ ، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI) $0/96$ ، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI) $0/98$ ، شاخص برازندگی افزایشی (CFI) $0/98$ ، شاخص برازندگی تطبیقی (IFI)

پس از بررسی برازش ضرایب مسیر، برازندگی الگوی پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفت، برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد. نخست برازش الگوی پیشنهادی براساس شاخص‌های برازندگی ارزیابی شده

۰/۹۸، شاخص برازندگی توکر- لویس (TLI) و مقدار ۰/۹۷ و مقدار ۰/۰۳ نشان دادند که الگوی پیشنهادی از برازش مناسبی شاخص جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) برخوردار است.

جدول ۳

شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی در پژوهش حاضر

RMSEA	TLI	IFI	CFI	NFI	AGFI	GFI	² /df	df	۲
۰/۰۳	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۸	۲/۱۰۷	۳	۶/۳۲۲

جدول ۴ مسیرها و ضرایب استاندارد روابط مستقیم متغیرها را در الگو پیشنهادی نشان می‌دهد. با توجه به مندرجات جدول ۴ ملاحظه می‌شود که همه مسیرهای مستقیم معنادار هستند. هم‌چنین بیشترین معناداری مسیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش، مسیر نوززگرایی به تعارض زناشویی است که ۰/۴۶ است.

جدول ۴

ضرایب مسیرهای مستقیم متغیرهای پژوهش در الگوی پیشنهادی

p	C.R	S.E	مسیر
۰/۰۰۱	-۵/۰۹	۰/۰۸	تعارض زناشویی
۰/۰۰۱	۲/۹۶	۰/۱۵	تعارض زناشویی
۰/۰۰۱	-۷/۸۲	۰/۰۶	تعارض زناشویی
۰/۰۰۱	-۷/۰۱	۰/۰۲	دلزدگی زناشویی
۰/۰۰۱	۱۳/۳۳	۰/۰۳	دلزدگی زناشویی
۰/۰۰۱	-۸/۴۴	۰/۰۳	دلزدگی زناشویی
۰/۰۰۱	۸/۲۷	۰/۰۱	دلزدگی زناشویی

تعارض زناشویی صفر را در بر نمی‌گیرد و این حاکی از معنادار بودن این مسیر غیرمستقیم است. هم‌چنین، حدبالا و پایین رابطه غیرمستقیم بخشندگی به دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی صفر را در بر نمی‌گیرد و معنادار است. به‌علاوه، حدبالا و پایین رابطه غیرمستقیم نوززگرایی به دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی صفر را در بر نمی‌گیرد و معنادار است. بنابراین تحلیل‌های الگویابی معادلات ساختاری برازش خوب الگوی پیشنهادی با داده‌ها را مورد حمایت قرار دادند.

برای بررسی فرضیه‌های مبنی بر روابط غیرمستقیم متغیرها، از بوت‌استرپ استفاده شد. برخی فرضیه‌های مدل پیشنهادی، حاکی از مسیرهای غیرمستقیم و واسطه‌ای بین متغیرهای پژوهش بود. در این پژوهش روابط غیرمستقیم متغیرها، با یک واسطه، از طریق روش بوت‌استرپ مورد آزمون قرار گرفت. جدول ۵ نتایج برآوردهای مسیرهای غیرمستقیم با استفاده از روش بوت‌استرپ را برای فرضیه‌های غیرمستقیم نشان می‌دهد. حد بالا و حدپایین رابطه غیرمستقیم تمایز یافتگی به دلزدگی زناشویی از طریق

جدول ۵

نتایج روش بوت‌استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای پژوهش در الگوی پیشنهادی

بوت‌استرپ سوداری تصحیح شده			مسیر
فاصله اطمینان	حد بالا	حد پایین	
۰/۹۵	۰/۰۴۲۱	۰/۱۵۳۲	تعارض زناشویی
۰/۹۵	۰/۰۰۵۴	۰/۰۶۴۹	تعارض زناشویی
۰/۹۵	۰/۰۰۲۷	۰/۰۳۸۵	تعارض زناشویی

بحث

هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سوال بود که آیا رابطه علی تمایز یافتگی، نورزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی در معلمان مرد واسطه-گری می‌شود؟ براساس نتایج پژوهش، رابطه مستقیم تمایز یافتگی، نورزگرایی، بخشندگی و تعارض زناشویی به دلزدگی و هم‌چنین مسیرهای مستقیم تمایز یافتگی، نورزگرایی و بخشندگی به تعارض زناشویی معنادار بودند. رابطه منفی و معنادار تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی، با یافته‌های طالبی و غباری‌بناب (۱۳۹۲)، نجف‌لویی (۱۳۸۵)، بیادسی- آشکار و پلژ (۲۰۱۳)، گابلمن (۲۰۱۲) و گای (۲۰۰۰) هم‌سو است. در خصوص تبیین رابطه منفی و معنادار تمایز یافتگی با تعارض زناشویی، نجف‌لویی (۱۳۸۵) معتقد است که زن و شوهری که دارای سطوح پایین تمایز یافتگی هستند، در زمان ازدواج، ظرفیت محدودتری برای صمیمیت دارند و برای پایداری روابطشان خودرهبی^۱شان را قربانی ازدواج می‌کنند. در این حالت، زوجها در شرایط استرس‌زا، دچار اختلال در کارکرد زناشویی می‌شوند و از آن‌جا که قدرت کمتری در برخورد منطقی با مشکلات دارند، به تعارض‌های زناشویی دامن می‌زنند. از سویی در تبیین رابطه منفی و معنادار تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی، لیکانی (۲۰۱۳) بیان می‌کند که تمایز یافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا مرزها را تنظیم کند. در واقع تمایز یافتگی، از آمیختگی زن و شوهر در مواقع بحرانی جلوگیری می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا مشکلات موجود در رابطه را با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیری‌های هیجانی و احساسی، رفع کنند. در سمت مقابل، تمایز نایافتگی زوجها از طریق فاصله‌گیری عاطفی از یکدیگر در موقعیت‌های دشوار، آنها را به سمت دلزدگی سوق می‌دهد.

رابطه مثبت و معنادار نورزگرایی با دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی با یافته‌های حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، شاهمردی و همکاران (۱۳۹۰)، ایوب‌نیاک و همکاران (۲۰۱۴) و کلاکتون و همکاران (۲۰۱۲) هم‌سو است. در خصوص تبیین رابطه منفی و معنادار نورزگرایی با دلزدگی زناشویی کایزر و راثو (۲۰۰۶) معتقدند آن‌چه زمینه ایجاد دلزدگی زناشویی را در افراد نورزگرا فراهم می‌کند تمایل آنها به

هیجان‌پذیری منفی در تعارض‌های زناشویی است. در واقع، زودرنجی، دمدمی مزاج بودن و بلا تکلیفی این افراد در موقعیت‌های بحرانی، زوجها را در یک دور باطل تعاملات منفی گرفتار می‌سازد که به علت استفاده افراد نورزگرا از راهکار اجتناب، این تسلسل ممکن است تا دلزدگی زناشویی ادامه پیدا کند. هم‌چنین در تبیین رابطه نورزگرایی با تعارض زناشویی می‌توان به مطالعه نیسکزوتا (۲۰۱۴) اشاره کرد؛ وی معتقد است نورزگرایی، به منزله چشم‌پوشی ضعیف در مقابل استرس^۲ یا گرایش به فروپاشی سازمان‌یافته رفتار در موقعیت‌های تعارضی یا ناکام‌کننده است. در واقع افراد با نورزگرایی بالا در برخورد با تعارض‌های بین فردی، بیشتر دست به رفتارهای اجتنابی و واکنش‌های هیجانی شدید می‌زنند. لذا تعارض را تشدید و رفع آن را با مشکل مواجه می‌کنند. از طرفی نورزگرایی، زوجها را به سوی عقاید غیرمنطقی سوق می‌دهد و با افزایش تعارض‌ها، توانایی آنها را برای مقابله با فشارهای روانی تحلیل می‌برد.

در پژوهش حاضر بخشندگی نیز با دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی رابطه منفی و معنادار داشت که این یافته با مطالعات برایت‌وایت و همکاران (۲۰۱۱)، تقی‌پورجوان و همکاران (۱۳۹۱)، غفوری و همکاران (۱۳۹۲) و فینچام و همکاران (۲۰۰۴) هم‌هنگ است. در تبیین رابطه منفی بخشش با دلزدگی زناشویی، نتایج مطالعات باکوس (۲۰۰۹) گویای این مطلب بود که هنگامی که فرد قادر به بخشش باشد، رابطه میان هتک حرمت^۳ و رضایت زناشویی ضعیف، تعدیل می‌شود. لذا توانایی بخشش همسر می‌تواند به پایداری رابطه و افزایش رضایت زناشویی منجر شود. بنابراین بخشندگی با توقف پاسخ‌های خصمانه آشکار و نهان، باعث کنترل تکانه‌های پرخاشگری، کاهش تعارض زناشویی و دلزدگی در روابط زناشویی می‌شود. از طرفی درباره رابطه منفی بخشش با تعارض زناشویی فلانگان و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیده‌اند که بخشش شامل جانشین کردن عواطف منفی با شفقت^۴ و بردباری^۵ است و در روابط صمیمانه، باعث رشد همدلی بین زوجین می‌شود. بخشش مکانیسمی است که به‌صورت پیش‌گیرانه عمل می‌کند و هم

2. stress
3. irreverence
4. compassion
5. patience

1. self-managment

که این افراد احساس نارضایتی کلی نسبت به خود، دیگران و به‌طور کلی جهان اطراف دارند که خود، باعث دامن زدن به تعاملات منفی بین فردی و بروز تعارض می‌شود. از طرفی گوش‌به‌زنگی این افراد نسبت به تهدید، توجه به رفتارهای مثبت همسر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و با ارایه عواطف منفی و ناپایداری‌های هیجانی، بر مناسبات زناشویی تاثیر سوء می‌گذارد و فرایند ایجاد تعارض‌های مکرر را تسریع و بروز دلزدگی زناشویی را تسهیل می‌کند.

هم‌چنین در این پژوهش مشخص شد که بخشندگی از طریق تعارض زناشویی با دلزدگی زناشویی رابطه دارد. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های برایت‌وایت و همکاران (۲۰۱۱)، تقی‌پورجوان و همکاران (۱۳۹۱)، غفوری و همکاران (۱۳۹۲) و لیسیدا (۲۰۱۳) هم‌سو است. به اعتقاد فینچام و همکاران (۲۰۰۴)، بخشندگی از دو طریق کاهش رفتارهای منفی و افزایش رفتارهای مثبت، باعث کاهش تعارض زناشویی و به تبع آن کاهش دلزدگی می‌شود. در حقیقت، افزایش احساسات مثبت ناشی از بخشیدن یا بخشیده شدن، تقویتی است برای انجام دوباره این عمل که متعاقباً تعارض‌ها را کاهش می‌دهد و از بروز دلزدگی زناشویی جلوگیری می‌کند.

عدم دسترسی به جامعه آماری معلمان زن متأهل و تک‌جنسیتی شدن نمونه پژوهش از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. از آنجایی که نمونه پژوهش تنها شامل معلمان متأهل مرد مدارس شهر استهبان بود، لذا لازم است نتایج آن با احتیاط تعمیم داده شود. پیشنهاد می‌شود نمونه پژوهش‌های آتی شامل زنان متأهل نیز باشد. هم‌چنین با توجه به جدید بودن موضوع و به‌خصوص ابزار به کار رفته، یعنی پرسشنامه دلزدگی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در جهت تعیین رابطه این متغیر با سایر متغیرهای مرتبط در حیطه زناشویی، انجام شود.

بر اساس ارزیابی مراحل دلزدگی زناشویی، درمانگران می‌توانند برنامه درمانی مناسبی را در مسیر کمک به زوجین در معرض دلزدگی طرح‌ریزی کنند. با توجه به تایید شدن فرضیه‌های پژوهش، به‌خصوص نقش واسطه‌ای تعارض در ایجاد دلزدگی زناشویی، می‌توان از نتایج این پژوهش برای بهبود فرایند زوج‌درمانی و پیشگیری از روند دلزدگی بین زوجین استفاده کرد.

در زمان بروز تعارض و هم‌پس از آن، از طریق افزایش احساسات مثبت و هم‌چنین اعتمادسازی در رابطه، باعث کاهش روند افزایشی تعارض‌های شدید زناشویی می‌گردد.

از دیگر یافته‌های این پژوهش رابطه مثبت و معنادار تعارض زناشویی با دلزدگی زناشویی بود؛ که با نتایج مطالعات بیردیت و همکاران (۲۰۱۰)، حکیمی‌تهرانی و همکاران (۱۳۹۱)، رحیم و همکاران (۲۰۰۴) و محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) هم‌سو است. در تبیین این یافته می‌توان به نظر رایس^۱ (۱۹۹۶)؛ به نقل از بخشی پور و همکاران، (۱۳۹۱) در مورد آثار مخرب تعارض زناشویی اشاره کرد که در آن زوجها به جای مشکل، یکدیگر را مورد حمله قرار می‌دهند و هریک سعی می‌کنند تا از طریق سرزنش و انتقاد، دیگری را تحت نفوذ خود در آورد. در واقع در روند تشدید تعارضات زناشویی، احساس ارزشمندی افراد به همراه ارزشی که برای رابطه عاطفی خود قایل بوده‌اند به‌تدریج رنگ می‌بازد. این فاصله جسمانی، روانی و عاطفی در سال‌های بعد پررنگ‌تر می‌شود و به‌صورت دلزدگی زناشویی، خود را نمایان می‌سازد.

هم‌چنین در این پژوهش مشخص شد که تمایز‌یافتگی، از طریق تعارض زناشویی با دلزدگی زناشویی رابطه دارد که این یافته با نتایج مطالعات بیادسی- آشکار و پلژ (۲۰۱۳)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۲)، گرین و مابی (۱۹۹۳) و نجفولوی (۱۳۸۵) هم‌سو است. در واقع آن‌چه رابطه تمایز‌یافتگی با دلزدگی را از طریق تعارض زناشویی تبیین می‌کند به گفته لیکانی (۲۰۱۳)، جدایی‌های عاطفی‌ای است که زن و شوهرهای با تمایز‌یافتگی پایین پس از ایجاد موقعیت‌های تعارضی، دچار آن می‌شوند. افراد با تمایز‌یافتگی پایین به‌علت عدم رعایت مرزهای زناشویی^۲، ایجاد تعارض می‌کنند و انباشت احساسات منفی ناشی از رفع نشدن منطقی تعارض‌های زناشویی، در دراز مدت اسباب بروز دلزدگی زناشویی را برای این زوجها فراهم می‌کند.

یافته دیگر این بررسی، وجود رابطه نوزگرایبی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی بود که با مطالعات جدیری و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۹)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸)، و دانلان و همکاران (۲۰۰۴) در یک راستا قرار دارد. گرانت (۲۰۱۰) معتقد است

1. Rice. L
2. marital boundaries

منابع

- پرشننامه شخصیتی ۵ عاملی نئو. مجله علمی پزشکی قانونی، ۴، ۱۷۳-۱۶۵.
- حسینی نسب، د.، بدری، ر.، و قائمیان اسکویی، آ. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۲، ۸۷-۵۷.
- حکیمی‌تهرانی، ل.، فاتحی‌زاده، م.، و باغبان، ا. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش امنیت هیجانی بر تعارضات زناشویی زنان متاهل شهر اصفهان. مجله مطالعات روانشناختی زنان، ۳۰، ۱۲۴-۱۰۳.
- خواصی، ل. (۱۳۹۲). معنای حریم همسران در ازدواج‌های موفق (حریم و مرزهای زناشویی در مواجهه با عامل یا شخص سوم). تهران: انتشارات قطره.
- دغاغله، ف.، عسگری، پ.، و حیدری، ع. (۱۳۹۱). رابطه بخشندگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. مجله یافته‌های نو در روانشناسی، ۲۴، ۶۹-۵۷.
- زندپور، ط.، و یادگاری، ه. (۱۳۸۶). ارتباط بخشش با رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متاهل غیربومی دانشگاه‌های تهران. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۳، ۱۲۲-۱۰۹.
- زندپور، ط.، آزادی، ش.، و ناهیدپور، ف. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، بخشش و سلامت روان در زوج‌های مراجعه کننده به مراکز بهداشت گچساران. فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان، ۲، ۱۸-۱.
- ساداتی، ا.، مهربانی‌زاده هنرمند، م.، و سودانی، م. (۱۳۹۳). روانی، پایایی و تحلیل عاملی مقیاس دلزدگی زناشویی کایزر. اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شاهمرادی، س.، فاتحی‌زاده، م.، و احمدی، ا. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱، ۴۴-۳۳.
- طالبی، م.، و غباری بناب، ب. (۱۳۹۲). تعیین رابطه تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، احتشام‌زاده، پ.، مکوندی، ب.، و باقری، ا. (۱۳۸۸). رابطه بخشندگی، کمال‌گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در جانبازان و همسران آنها. مجله یافته‌های نو در روانشناسی، ۱۲، ۱۳۶-۱۲۳.
- انیسی، ج.، مجدیان، م.، جوشن‌لو، م.، و گوهری کامل، ز. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو در دانشجویان. مجله علوم رفتاری، ۴، ۳۵۵-۳۵۱.
- آریامنش، ص.، فلاح‌چای، ر.، و زارعی، ا. (۱۳۹۲). مقایسه تمایز یافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. مجله پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱، ۸۹-۸۱.
- امینی، م.، امینی، ی.، و حسینیان، س. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی زوجین با استفاده از رویکرد ارتباط متقابل (TA) بر کاهش تعارضات زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳، ۴۰۰-۳۷۷.
- بخشی‌پور، ب.، اسدی، م.، کیانی، ا.، شیرعلی‌پور، ا.، و احمددوست، ح. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۴۸، ۳۳-۱۰.
- بهارستان، ج. (۱۳۸۳). بررسی سبک‌های مدیریت تعارض در دبیرستان‌های شهر یزد از دیدگاه مدیران. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۴، ۱۳۲-۱۰۹.
- تقی‌پورجوان، ع.، حسن‌نناج‌جلوداری، ف.، و یارمحمدیان، ا. (۱۳۹۱). رابطه بین بخشش، تعارضات زناشویی و سلامت روان در دانشجویان متاهل. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
- ثناپی‌ذاکر، ب. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- جدیری، ج.، و رسول‌زاده طباطبایی، ک. (۱۳۸۹). بررسی رابطه رضامندی زناشویی (بر اساس معیارهای دینی) با ثبات هیجانی. مجله روانشناسی دین، ۳، ۳۸-۱۹.
- حسینی، ز.، خلقی، ز.، جابری، س.، صدیقی، ا.، صالحی، و.، تفویضی، م.، و همکاران. (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از

- بنیاد شهید و امور ایثارگران). *مجله مطالعات زن و خانواده*، ۱۸، ۳۲-۱۵.
- غفاری، ف.، رفیعی، ح.، و ثنایی‌ذاکر، ب. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش خانواده با استفاده از تئوری سیستمی بوئن بر تمایزیافتگی و کارکرد خانواده‌های دارای فرزند معتاد. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*، ۲۲، ۲۳۹-۲۲۷.
- غفوری، س.، مشهدی، ع.، و حسن‌آبادی، ح. (۱۳۹۲). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشندگی در افزایش رضایت‌مندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱، ۴۱۸-۴۰۶.
- فاضل، ا.، حق‌شناس، ح.، و کشاورز، ز. (۱۳۹۰). قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز. *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۳، ۱۶۱-۱۳۹.
- گلدنبرگ، ه.، و گلدنبرگ، آ. (۲۰۰۸). *خانواده‌درمانی*. ترجمه حمید رضا حسین‌شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، ۱۳۹۲. تهران: انتشارات روان.
- محسن‌زاده، ف.، نظری، ع.، و عارفی، م. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۵۳، ۴۲-۷.
- موسوی، س.، داراب، م.، فاتحی‌زاده، م.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه بین عوامل شخصیتی، باورهای غیر منطقی و دلزدگی زناشویی در بین زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان*. مجموعه مقالات اولین همایش ملی روانشناسی و خانواده، ۱۲۶-۱۰۸.
- نجف‌لویی، ف. (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۴، ۳۷-۲۷.

References

- Backus, L. N. (2009). *Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy*. Dissertation for Master of Arts, Graduate College of Bowling Green State University.
- Barelds, D. P. H. (2005). Self and partner personality in intimate relationships. *European Journal of Personality*, 19, 501-518.
- Barry, R. A., Lawrence, E., & Langer, A. (2008). Conceptualization and assessment of disengagement in romantic relationships. *Personal Relationships*, 3, 297-315.
- Biadisy-Ashkar, A., & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Health*, 9, 1467-1477.
- Birditt, K. S., Brown, E., Orbuch, T. L., & McIlvane, J. M. (2010). Marital Conflict Behaviors and Implications for Divorce over 16 Years. *Journal of Marriage and Family*, 5, 1188-1204.
- Braithwaite, S. R., Selby, E. A., & Fincham, F. D. (2011). Forgiveness and relationship satisfaction: Mediating mechanisms. *Journal of Family Psychology*, 4, 551-559.
- Chung, M. S. (2014). Pathways between attachment and marital satisfaction: The mediating roles of rumination, empathy, and forgiveness. *Personality and Individual Differences*, 7, 246-251.
- Claxton, A., O'Rourke, N., Smith, J. Z., & DeLongis, A. (2012). Personality traits and marital satisfaction within enduring relationships: An intra-couple discrepancy approach. *Journal of Social and Personal Relationships*, 3, 375-396.
- Costa, P. T. & McCrae, R. R. (2000). *Revised NEO Personality Inventory (NEO-PIR): Professional Manual*. Psychological Assessment Resources, 1, 1-18.
- Donnellan, M. B., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2004). The big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, 38, 481-504.
- Durham-Fowler, J. N. (2010). *Therapeutic assessment with couples*. A dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Texas at Austin.
- Fincham F. D., Beach S. R., & Davila J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 1, 72-81.
- Flanagan, K. S., Vanden Hoek, K. K., Ranter, J. M., & Reich, H. A. (2012). The potential of forgiveness as a response for coping with negative peer experiences. *Journal of Adolescence*, 35, 1215-1223.

- Gabelman, E. (2012). *The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction*. The Ohio State University, Department of Human Development and Family Science, Honors Theses.
- Grant, S. (2010). *Neuroticism: The personality risk factor for stress and impaired health and well-being*. NY: Nova Science Publishers.
- Greene, G. J., & Mabee, T. F. (1993). Differentiation of self and marital adjustment of clinical and nonclinical spouses. *Journal of Couples Therapy, 3*, 133-144.
- Guy, E. (2000). The effect of self-differentiation on marital conflict. *Counseling, 4*, 65-76.
- Iveniuk, J., Waite, L. J., Laumann, E., McClintock, M. K., & Tiedt, A. D. (2014). Marital conflict in older couples: Positivity, personality, and health. *Journal of Marriage and Family, 76*, 130-144.
- Kayser, K. (1993). *When love dies: The process of marital disaffection*. NY: Guilford.
- Kayser, k. (1996). The marital disaffection scale: An inventory for assessing motional estrangement in marriage. *The American Journal of Family Therapy, 24*, 83-88.
- Kayser, K., & Rao, S. S. (2006). *Process of disaffection in relationship breakdown*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Klever, P. (2009). Goal direction and effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy, 3*, 308-324.
- Leo, K. M. (2011). *The experience of forgiving in the marital relationship*. Dissertation for Doctor of Philosophy, Nursing Seton Hall University.
- Liceaga, M. D. (2013). "You stay, no matter how bad": Women voice the trajectory of marital disaffection. A Thesis Presented to the Faculty of San Diego State University.
- Likcani, A. (2013). *Differentiation and intimate partner violence*. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.
- Mazzarantani, J. (2011). *The divorce survival guide: What you need to know to protect your emotional and financial security*. Miami: Jules Mazzarantani PLLC.
- McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L. Jr., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998). Interpersonal forgiving on close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology, 6*, 1586-1603.
- Niszczota, P. (2014). Neuroticism, uncertainty, and foreign investment. *Department of International Finance (forthcoming)*, 1-36. Doi:http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2431188.
- Ormel, J., Jeronimus, B. F., Kotov, R., Riese, H., Bos, E. H., Hankin, B., Rosmalen, J. G. M., & Oldehinkel, A. J. (2013). Neuroticism and common mental disorders: Meaning and utility of a complex relationship. *Clinical Psychology Review, 33*, 686-697.
- Papero, D. V. (2000). *Bowen systems theory*. NY: Springer Publishing.
- Pease, K. (2013). *Differentiation of self and anxiety as a function of culture*. A thesis for the degree of Master of Science California State University, Stanislaus.
- Pokorska, J., Farrell, A., Evanschitzky, H., & Pillai, K. (2013). Relationship fading in business-to-consumer context. In S. Sezgin, E. Karaosmanoglu, & A. B. Elmadag Bas (Eds.), *EMAC 2013: 42nd Annual European Marketing Academy conference: Lost in translation*. Istanbul: Turkey.
- Pytlik-Zillig, L. M. P., Hemenover, S. H., & Dienstbier, R. A. (2002). What do we assess when we assess a big 5 trait? : A content analysis of the affective, behavioral, and cognitive processes represented in big 5 personality inventories. *Faculty Publications, Department of Psychology, 28*, 847-858.
- Rahim, A., Kaufman, S., & Psennica, C. (2004). A model of the style of handling conflict, marital satisfaction, and instability. *The International Association for Conflict Management (IACM)*. DOI: <http://www.andrew.cmu.edu/org/IACM2004/>, Oct 2014.
- Rye, M. S., Loiacono, D. M., Folck, C. D., Olszewski, B. T., Heim, T. A., & Madia, B.

- P. (2001). Evaluation of the psychometric properties of two forgiveness scales. *Journal of Current Psychology, 3*, 260-277.
- Skowron, E. A., & Schmitt, A. T. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy, 29*, 209-222.
- Wayne, J. H., Musisca, N., & Fleeson, W. (2004). Considering the role of personality in the work-family experience: Relationships of the big five to work-family conflict and facilitation. *Journal of Vocational Behavior, 64*, 108-130.